

Investigating the Political-Security Consequences of Turkish-Israeli Relations on the Middle East Region 2017-1990

Seyed Mohsen Mir Hosseini*

Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Fatemeh ghayyemi beshno

Graduate of Regional Studies, Faculty of Humanities and Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 01, July, 2020

Accepted: 05, September, 2020

Abstract

Turkish-Israeli relations created a political-security and military alliance in the Middle East. This alliance had many effects on the countries of the Middle East. With the rise to power of the Justice and Development Party and the implementation of the Strategic Depth Doctrine, Turkey has begun a new level of political-security relations in the region. Playing a mediating role in regional equations between Israel, other Arab countries has given Turkey more maneuverability and turned Turkey from a single Israeli ally into a strategic leader in the region. Turkey was trying to gain a leading position among the countries of the region in the shadow of implementing the strategy of strategic depth. The expression of new values by Turkish leaders has led to confrontation with Israel and political-military tensions in the region. The main question of this article is, what are the consequences of the relations between Turkey and Israel between 1990-2017 in the Middle East? The findings of this study show that the establishment of political-security alliances in the Middle East, the implementation of the strategy of strategic depth and its reflection in Turkish-Israeli relations, the security consequences of Turkish-Israeli relations under the Persian Gulf, Iran, Shamat sub-system, Israel's isolation from isolation. Politics has been one of the consequences of Turkish-Israeli political-security relations. In this study, the authors used the resources of library-documentary, internet and descriptive-analytical approaches to examine the consequences of the political-security relations between Turkey and Israel from 1990-2017 with a more comprehensive view.

Key words: Political, Security, Turkey, Israel, Middle East.

* **Corresponding Author:** mmirhosaini@yazd.ac.ir

بررسی پیامدهای سیاسی-امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه

۱۹۹۰-۲۰۱۷

سید محسن میرحسینی*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران

فاطمه قیمی بشنو

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

چکیده

روابط ترکیه و اسرائیل پدیده‌آوردنده اتحاد سیاسی-امنیتی و نظامی در منطقه خاورمیانه بود. این اتحاد تأثیرات بسیاری بر کشورهای منطقه خاورمیانه گذاشت. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و اجرای دکترین عمق استراتژیک، ترکیه سطح جدیدی از روابط سیاسی-امنیتی را در منطقه آغاز نمود. ایفای نقش میانجیگری در معادلات منطقه‌ای بین اسرائیل و سایر کشورهای عربی به ترکیه قدرت مانور بیشتری بخشید و ترکیه را از تنها متحد اسرائیل به یک رهبری استراتژیک در منطقه تبدیل نمود. ترکیه در تلاش بود در سایه اجرای دکترین عمق استراتژیک به جایگاه برتری در میان کشورهای منطقه دست یابد. بیان ارزشهای جدید از سوی رهبران ترکیه سبب تقابل با اسرائیل گردید و تنشهای سیاسی-نظامی را در منطقه پدید آورد. در بررسی روابط سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل سؤال اصلی این مقاله این است که، روابط ترکیه و اسرائیل طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ چه پیامدهایی بر منطقه خاورمیانه داشته است؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، ایجاد ائتلافهای سیاسی-امنیتی در منطقه خاورمیانه، اجرای دکترین عمق استراتژیک و انعکاس آن در روابط ترکیه و اسرائیل، پیامد امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر زیر سیستم خلیج فارس، ایران، زیر سیستم شامات و خروج اسرائیل از انزوای سیاسی از جمله پیامدهای روابط سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل بوده است. نویسندگان در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی، اینترنتی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی با نگاهی جامع‌تر به بررسی پیامدهای روابط سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل در طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: سیاسی، امنیتی، ترکیه، اسرائیل، خاورمیانه.



DOI: 10.22080/jpir.2020.2952

* نویسنده مسئول: mmirhosaini@yazd.ac.ir

صفحات: ۳۳۴-۳۱۱

مقدمه

ترکیه اولین کشور اسلامی است که اسرائیل را در مارس ۱۹۴۹ به رسمیت شناخت و با اسرائیل در سال ۱۹۵۰ روابط دیپلماتیک برقرار کرد. ترکیه و اسرائیل با استفاده از این روابط، توافقنامه‌های متعددی را در دهه ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم منعقد کردند که منجر به توسعه روابط نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی بین دو طرف شد. ترکیه و اسرائیل روابط خود را در دهه ۹۰ میلادی گسترش دادند و ترکیه به یکی از نزدیکترین کشورها در حوزه پیرامونی اسرائیل تبدیل شد. روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و مطرح کردن دکترین عمق استراتژیک از سوی ترکیه، این روابط را با فراز و نشیبهای زیادی همراه ساخت. ترکیه در تلاش بود تا با بکارگیری دکترین عمق استراتژیک بتواند به فراتر از مرزهای سیاسی و فرهنگی خود دست یابد. تلاش برای احیای اندیشه‌های عثمانی و رسیدن به جایگاه رهبری در جهان اسلام، سیاستهای ترکیه را در تقابل با منافع سیاسی و فرهنگی اسرائیل قرار داد. در همین راستا پس از تنش کشتی مرمره، با افزایش روابط اقتصادی ترک‌ها نشان دادند که تمایلی به قطع روابط یا کاهش گسترده روابط با اسرائیل ندارند و روابط در حوزه سیاسی باید تا سطحی باقی بماند. روابط ترکیه و اسرائیل از آغاز شناسایی اسرائیل از سوی ترکیه دارای تأثیرات و پیامدهایی بر کشورهای منطقه خاورمیانه بوده است. این تأثیرات زمانی افزایش یافته است که قراردادهای دو جانبه سیاسی و امنیتی، ترکیه و اسرائیل را به دو متحد استراتژیک در منطقه تبدیل کرده و توانایی ترکیه و اسرائیل را در حوزه نظامی-امنیتی به بالاتر از سطح کشورهای حوزه خلیج فارس و شامات تبدیل نموده است. نگرانی سایر کشورهای منطقه از رشد قدرت نظامی ترکیه و اسرائیل با پشتیبانی قدرت‌های بین‌المللی سبب ایجاد اتحادهای دو و چند جانبه در میان کشورهای منطقه خاورمیانه شد. مقاله حاضر در تلاش است پیامدهای روابط سیاسی و امنیتی ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ را بیان کند.

۱. بنیان نظری:

از نظر جغرافیایی، ترکیه در چهارراه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است که از شبه جزیره آناتولی در جنوب غربی آسیا تا بالکان در جنوب شرقی اروپا امتداد دارد. مناطق آسیا و اروپا با دریای مرمره- که بخشی از منطقه ترکیه است- از هم جدا شده‌اند. ترکیه توسط بالکان، قفقاز و خاورمیانه محصور است. این موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد ترکیه دلالت بر سیاستهای ژئوپلیتیکی ترکیه

دارد. در دهه ۱۹۹۰، سیاست خارجی ترکیه با چالش جهانی روبرو شد و ترکیه را مجبور به تجدید نظر در جهت گیری استراتژی بزرگ کرد. از زمان پیروزی آکپارتی در انتخابات ۲۰۰۲، تغییری در جهت گیری استراتژی بزرگ ترکیه به وجود آمده است. این تغییر پس از ظهور دکترین موسوم به «عمق استراتژیک» رخ داد. این دکترین تجلی ایده داود اوغلو در سال ۲۰۰۱ بود. داود اوغلو تصریح کرد که ترکیه با داشتن عمق استراتژیک می تواند یک سیاست چند بعدی را اعمال کند و نقش اصلی را در سیاست جهانی ایفا کند. این دکترین همچنین اصرار دارد که سیاست خارجی ترکیه را به تأکید نظامی گرایانه بر قدرت نرم به منظور تقویت قدرت سیاست اقتصادی، دموکراتیک سازی و حل مناقشات تغییر دهد. بیانیه داود اوغلو بیان نموده است که آموزه عمق استراتژیک متأثر از عوامل تاریخی و جغرافیایی است. سیاست خارجی ترکیه این بار نه تنها به یک طرف غرب محور است، بلکه به بالکان، قفقاز، آسیا و خاورمیانه نیز گسترش یافته است. داود اوغلو بر این عقیده تأکید کرده است که از آنجا که ترکیه باید به عنوان یک کشور کلیدی نقش خود را به عهده بگیرد، موقعیت جدید آن باید به گونه ای باشد که امنیت و ثبات را نه تنها برای خود بلکه برای مناطق همجوار نیز فراهم کند. او امنیت و ثبات ترکیه را به فرصت ایفای نقش سازنده تر در جهت تأمین امنیت، نظم، ثبات و امنیت در محیط اطراف خود پیوند می زند (Miranto, 2017: 224).

داود اوغلو پنج اصل در روند سیاست گذاری خارجی ترکیه را تشریح می کند:

۱. تعادل بین امنیت و دموکراسی
۲. سیاست مسئله صفر با همسایگان ترکیه
۳. توسعه روابط با مناطق همسایه و فراتر از آن
۴. پایبندی به سیاست خارجی چند بعدی
۵. دیپلماسی هماهنگ

در رابطه با خاورمیانه، داود اوغلو چهار اصل اساسی را ذکر می کند که ترکیه برای تثبیت بیشتر موقعیت خود در این منطقه باید به آن تکیه کند، این اصول عبارتند از:

۱. امنیت برای همه، که به معنای امنیت برای کل منطقه است

۲. اولویت باید برای گفتگو به عنوان وسیله‌ای برای حل بحران‌ها

۳. وابستگی متقابل اقتصادی

۴. همزیستی فرهنگی (Miranto, 2017: 227).

۲. پیامدهای سیاسی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷

روابط ترکیه و اسرائیل یکی از موضوعات مورد بحث و چالش برانگیز در خاورمیانه است؛ زیرا پیامدهای بسیاری بر منطقه دارد (Bilgin: 2004, 34). رشد چشمگیر روابط اسرائیل و ترکیه از اوایل دهه ۱۹۹۰ یکی از عمده‌ترین تحولات استراتژیک منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد به حساب می‌آید. در دوران پس از جنگ سرد، بحث برانگیزترین جنبه سیاست خارجی و امنیتی ترکیه در خاورمیانه توسعه روابط با اسرائیل است. جنجال برانگیزترین بخش روابط دو جانبه، افزایش همکاری‌های امنیتی است که رنجش برخی از همسایگان را به دنبال داشت. پیوندهای رو به رشد دو کشور موجب تحول در توازن قوای منطقه‌ای شد و واکنش مثبت کشورهای منطقه را به همراه نداشت؛ چرا که از دیدگاه کشورهای مسلمان منطقه، ترکیه و اسرائیل دارای نظام‌هایی مبتنی بر ارزش‌های غربی هستند و در سیستم سیاسی-فرهنگی-امنیتی غرب قرار می‌گیرند. روابط اسرائیل و ترکیه علاوه بر اینکه موقعیت اسرائیل در منطقه را تقویت می‌کند، اثرات منفی بر مبارزات فلسطینی‌ها داشته و موجب تحول در توازن قوای منطقه‌ای و شکل‌گیری اتحاد نظامی جدیدی میان ترکیه و اسرائیل می‌گردد (Bengio, 2004: 234).

سیاست خارجی ترکیه با ظهور اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه تغییرات شگرفی به خود دید. این تغییرات سبب شد ترکیه تا حدودی به ایران و محور مقاومت نزدیک شود و از اسرائیل و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن دور گردد. مسأله فلسطین، حمله به ناو حامل کمک‌های مردمی به غزه، عدم اجازه اسرائیل به داوداوغلو برای سفر به غزه و دیدار با مقامات حماس، تنش‌هایی را در روابط دو کشور به وجود آورد. بحث هسته‌ای ایران و حمایت ترکیه از حقوق صلح آمیز هسته‌ای تهران به خاطر ملاحظات اقتصادی خود، و مخالفت با درخواست ایالات متحده برای گشودن جبهه جدید علیه عراق موجب شد روابط ترکیه علاوه بر اسرائیل با متحدان غربی‌اش نیز دچار تحول گردد (نظرپور و ناوه‌کش، ۱۳۹۱: ۵۳).

۲-۱. تنش سیاسی ترکیه و اسرائیل در بحران داووس

در مجمع اقتصاد جهانی در داووس در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۹ تنش سیاسی در روابط ترکیه و اسرائیل روی داد. اردوغان از پاسخ پرز دربارهٔ حملهٔ اسرائیل به غزه خشمگین شد و در حالی که با دفاع شیمون پرز از اسرائیل -به عنوان دولتی که از حق مشروع خود دفاع می‌کند- مواجه گردید، از جلسه خارج شد و این امر موجب تنش سیاسی در روابط ترکیه و اسرائیل شد. اردوغان عملیات نظامی اسرائیل در غزه را «جنایت جنگی» توصیف کرده و در پاسخ به پرز گفت: «شما با صدای بلند صحبت می‌کنید. این نشانهٔ گناه است زیرا شما به خوبی می‌دانید که چگونه می‌توانید بکشید». علاوه بر این، اردوغان از تورات^۱ نقل قول کرده و گفت: آیه ۶ تورات می‌گوید: «تو نباید بکشی». سپس اردوغان جلسه را ترک کرد. پرز در واکنش به رفتار اردوغان بیان کرد: «این واکنش از سوی ترکیه نشانه شروع جنگ بین ترکیه و اسرائیل است» (Alsaftawi, 2017: 191).

دولت اسرائیل از واکنش اردوغان در مجمع داووس دچار هراس و نگرانی شدید شد. این شوک توسط سیاستمداران اسرائیلی منعکس شد و هشدار دادند: «اگر ترکیه در ادعاهای خود مبنی بر وقوع نسل‌کشی در غزه صرف نظر نکند، ما نیز رویدادهای مرتبط با ارمنی‌ها^۲ را به عنوان نسل‌کشی مطرح می‌کنیم» (Alsaftawi, 2017: 192).

۲-۲. پیامد سیاسی بحران داووس بر افکار عمومی در خاورمیانه

حادثهٔ داووس به عنوان اولین سخنرانی اردوغان که تأثیری عمیق بر افکار عمومی خاورمیانه نسبت به عملیات نظامی اسرائیل در سال ۲۰۰۸ گذاشت، محسوب می‌گردد. اقدامات اردوغان در طی چندین رویداد، از جمله مجمع داووس^۳، بیانگر آن است که وی یک شخصیت سیاسی است که نمی‌تواند احساسات واقعی خود را پنهان کند. اردوغان در اجلاس داووس فهمید که توسط متحدش (اسرائیل) فریب خورده است؛ چرا که اسرائیل وعده داده بود دو روز بعد از حمله به غزه برای برقراری آتش بس مذاکره و اقدام نماید اما از این کار سرباز زده بود (Kosebalaban, 2010: 36-50).

^۱ کتاب آسمانی قوم یهود (نگارنده)

^۲ در سال ۱۹۱۵م در خلال جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی در شب ۲۴ آوریل صدها تن از رهبران سیاسی و روشنفکران ارمنی را دستگیر و به قتل رساند (Alsaftawi, 2017: 192).

^۳ Davos Forum

سخنان اردوغان در اجلاس داووس با حمایت عمومی در داخل و نیز در منطقه خاورمیانه و در جهان اسلام مواجه گردید (Bayram, 2010: 29). افکار عمومی اعراب در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی علاقه زیادی به حمایت از آنچه که در داووس رخ داده بود، به نمایش گذاشتند. اجلاس داووس، اردوغان را به یک قهرمان تبدیل ساخت و ترکیه را در جهان عرب بسیار محبوب‌تر کرد (Şenol, 2010). تنش در روابط ترکیه و اسرائیل در جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های جوانان و همچنین رسانه‌ها گسترش یافت (Bengio, 2009: 46).

۲-۳. پیامد سیاسی بحران داووس بر رهبری ترکیه در خاورمیانه

روزنا بر این اعتقاد است که خصوصیات و رفتار هر نظام اجتماعی در هر لحظه‌ای از زمان، محصول سنت فرهنگی آن نظام اجتماعی است. ترکیه در دوران اردوغان نیز با بهره‌گیری از عمق فرهنگی-تاریخی دوران عثمانی، خود را در مرکزیت ژئوپلیتیکی و نیز ژئوکالچری دوران عثمانی تصور می‌کند و علاوه بر این، مرزهای هویتی خود را نه در محدوده مرزهای ترکیه کنونی، بلکه در محدوده مرزهای عثمانی در دوران اقتدار ترسیم و بار دیگر اهمیت مؤلفه‌های محیطی را در طرح ریزی اهداف سیاست خارجی ترکیه به نظام بین الملل گوشزد می‌کند. پس از پیروزی پارلمانی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۱، اردوغان این پیروزی را به مردم اردن، مصر، تونس، شام، ساریوو و قبرس تبریک گفت و آن را پیروزی مردم نابلس، جنین، رام الله، غزه و بیت المقدس نیز دانست (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

میل به رهبری در منطقه و رسیدن به مرزهای عثمانی همواره در ذهن سیاستمداران ترکیه وجود داشته است و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه این میل در سیاست خارجی نمود بیشتر و فعال‌تری یافت. ترکیه در اجلاس داووس این میل باطنی را به نمایش گذاشت و تلاش نمود تا خود را در نقش حافظ منافع ملت فلسطین نشان دهد. پروژه رهبری خاورمیانه و تبدیل شدن به الگوی کشورهای عربی در «اجلاس داووس» کلید خورد. سخنان اردوغان در آن جلسه و موضع‌گیری در مقابل اسرائیل نقطه آغاز دگرگونی در روابط ترکیه و اسرائیل و نیز نوعی برنامه‌ریزی استراتژیک برای دوری از اسرائیل به منظور جلب حمایت کشورهای اسلامی بود. تکنوکرات‌های حزب عدالت و توسعه و در رأس آنها رجب طیب اردوغان، سالهاست که صحنه سیاسی ترکیه را با مدیریت اقتصادی در دست گرفته‌اند. اعراب و جهان اسلام برای اعضای حزب عدالت و توسعه جذابیت زیادی دارند؛ چرا که خاورمیانه انرژی، بازار و جمعیت دارد، در حالی که اسرائیل فاقد همه

این جذابیت‌هاست (امیرآبادیان، ۱۳۹۰). هرچند از سویی اردوغان از سیاست‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی انتقاد می‌کند، از سوی دیگر سعی دارد به روابط دیپلماتیک با این کشور پایبند بماند و نیز با جدیت بیشتر نقش یک میانجی را در نزاع اسرائیل و فلسطین به عهده بگیرد (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

۳. پیامدهای سیاسی عادی سازی رابطه ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه

به طور کلی رابطه قدرت‌های منطقه‌ای تابع تحولات منطقه‌ای نیز می‌باشد. یعنی صرفاً روابط دو جانبه نیست که به آینده مناسبات اسرائیل و ترکیه شکل می‌دهد بلکه برخی از تحولات که در سطح منطقه رخ می‌دهد، باعث می‌شود که برخی از قدرت‌ها در ائتلاف بندی‌های منطقه‌ای از هم دور یا نزدیک شوند. بر همین اساس می‌توان این طور بیان کرد که روابط ترکیه و اسرائیل رو به بهبودی می‌رود زیرا در حال حاضر در مناسبات خاورمیانه، ترکیه به شکلی احساس ضعف می‌کند و نیاز دارد که از راه بهبود مناسبات و تنش زدایی با بازیگری مثل اسرائیل موازنه را در برابر ایران و مصر تا حدودی حفظ کند. این در جهت تمایل اسرائیل هم هست چون از نگاه اسرائیلی نیز ممکن است این تحلیل به وجود بیاید که در حال حاضر ایران در منطقه دست بالا را دارد و می‌بایست ضعف خود را از طریق بهبود روابط با ترکیه و ایجاد یک موازنه جدید برقرار کند و روابط خود را ترمیم نماید تا مجدداً وضعیت به حالت سابق خود برگردد (حق پناه، ۱۳۹۴). ایجاد توازن در برابر قدرت ایران، عراق و سوریه از مهم‌ترین دلایل نزدیکی ترکیه به اسرائیل بوده است (اکبری، ۱۳۹۶: ۲۱۹). با پایان یافتن بحران سیاسی (بحران داووس و کشتی مرمرة آبی) بین ترکیه و اسرائیل در سال ۲۰۱۶ ترکیه گام مهمی در عادی سازی رابطه با اسرائیل برداشت. این تحول نتایج مهمی بر سیاست خارجی ترکیه و نیز صلح و ثبات منطقه‌ای در پی داشت که عبارتند از:

۱) در این اقدام ترکیه، پتانسیل بالایی در یاری به مبارزه علیه داعش^۴ و پ.ک.ک و حل مسئله فلسطین و سوریه داشت.

^۴ حکومت اسلامی عراق و شام (نگارنده)

۲) پیامد این عادی سازی برای مردم غزه، ارسال کشتی حامل کمک‌های غیر نظامی، حل کمبود آب و برق، ساخت بیمارستان و مسکن در غزه بود.

۳) ترکیه از نظر سیاسی نیز به حمایت از حق مبارزه مردم فلسطین در راه ایجاد دولتی مستقل و پایان یابی اشغال و نیز به ارتباط با گروه‌های فلسطینی و یاری به تمامی فلسطینیان در کرانه غربی رود اردن و غزه نیز ادامه داد.

۴) ترکیه توانست با عادی سازی روابط با اسرائیل شانس تأثیر مثبت بر روند صلح را نیز افزایش دهد و از تنش‌های بی مورد و تلفات جانی جلوگیری کند (Miranto, 2017: 228).

۳-۱. شکل‌گیری تهدیدات امنیتی علیه ایران

ترکیه و اسرائیل در خاورمیانه دارای هم‌پوشانی منافع در حوزه‌های حیاتی امنیتی- نظامی هستند و هر دو نیز به محور مقاومت خصوصاً سوریه، عراق و ایران نگاه کاملاً امنیتی و تقابلی دارند؛ چرا که ابتدا سوریه و عراق مأمّن مخالفان و معارضان ترکیه و اسرائیل می‌باشند و گروه‌های کرد و مقاومت فلسطینی و لبنانی ضد اسرائیل در آنجا حضور دارند. در مورد ایران نیز ترکیه، ایران را به عنوان رقیب اصلی منطقه‌ای خود می‌بیند که قدرت و توازن منطقه‌ای را به نفع خود رقم زده است و در طرف دیگر، ایران دشمن اصلی و ایدئولوژیک اسرائیل می‌باشد (اکبری، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

۳-۲. عادی سازی رابطه ترکیه و اسرائیل و گرایش عربستان سعودی به عادی سازی

عادی سازی رابطه ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه سبب شکل‌گیری زمینه‌های یک ائتلاف نانوشته بین عربستان و اسرائیل گردید در رابطه با شکل‌گیری نوعی ائتلاف استراتژیک بین ریاض و تل‌آویو بایستی به مجموعه‌ای از عوامل مختلف اشاره کرد. هر دو کشور در سوریه، یمن و در مخالفت با نفوذ و قدرت ایران دارای منافع همسویی هستند. عربستان و اسرائیل در راستای مقابله با نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه سعی در ایجاد جبهه جدیدی با محوریت ایران هراسی داشته‌اند. در واقع این ائتلاف در قالب معمای امنیتی برای مقابله با تهدید مشترکی به نام ایران شکل گرفته است. اسرائیل و عربستان منافع مشترکی در محدود کردن نفوذ ایران، غیر مشروع کردن حکومت بشار اسد در سوریه و اتحاد با ایالات متحده دارند (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

۳-۳. عادی سازی رابطه اسرائیل و شورای همکاری خلیج [فارس]

شورای همکاری خلیج [فارس] یک بلوک سیاسی- تجاری است که از کشورهایی همچون عربستان، بحرین، امارات، قطر، عمان و کویت در سال ۱۹۸۱ با اهداف اقتصادی و نظامی تشکیل شد. کشورهای عضو شورا از ویژگی‌های بسیار مطلوبی در منطقه مانند مرزهای دریایی، منابع نفتی و گازی غنی و جمعیت مناسبی برخوردار هستند. اسرائیل که آرزوی دستیابی به مناطقی مهم در منطقه را دارد و از طرفی برای حل مسأله فلسطین به نفع خودش تلاش می‌کند، بی تردید نمی‌تواند از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چشم پوشی کند (خالقی نژاد، ۱۳۹۷).

رابطه سیاسی- امنیتی ترکیه و اسرائیل سبب گرایش برخی از کشورهای منطقه به برقراری رابطه با اسرائیل شد. در میان کشورهای عربی در منطقه خاورمیانه، قطر علاقه بیشتری به برقراری رابطه با اسرائیل داشت. قطر و اسرائیل روابط رسمی دیپلماتیک ندارند اما قطر نقش پیشرو را در فرآیند صلح اعراب- اسرائیل از طریق برقراری روابط اقتصادی با اسرائیل داشت. قطر میزبانی اجلاس گروه‌های کاری عربی- اسرائیلی را بر عهده گرفت و سپس شیمون پرز، وزیر خارجه اسرائیل، در سال ۱۹۹۶ از قطر دیدار کرد. علی رغم مخالفت کشورهای عربی و اسلامی، قطر میزبانی چهارمین اجلاس سالانه کنفرانس خاورمیانه و شمال آفریقا را در سال ۱۹۹۷ بر عهده گرفت. کنفرانس با هدف نزدیک کردن رهبران سیاسی عربی و اسرائیلی برای تبادل نظر درباره همکاری منطقه‌ای انجام شده بود. اگرچه با آغاز انتفاضه دوم فلسطینی‌ها در سال ۲۰۰۰، قطر ادعا کرد که این دفتر را تعطیل کرده است، با وجود این بعد از مدتی مقامات رسمی این کشور مدعی شدند فعالیت این دفتر در سطح پایینی ادامه دارد. در سال ۲۰۰۳، وزرای خارجه قطر و اسرائیل با هدف تبادل نظر در ارتباط با چگونگی احیای دوباره فرآیند صلح با هم دیدار کردند. در این دوره قطر سعی کرد تا نقش فعال‌تری را در فرآیند صلح عربی- اسرائیلی ایفا کند (طاهری، ۱۳۹۲).

سه محور اساسی در خصوص روابط کنونی اسرائیل و کشورهای خلیج فارس وجود دارد که آینده این روابط نیز منوط به تثبیت و تغییر در این محورها می باشد:

- اولین محور عبارت است از نیازمندیهای اقتصادی متقابل و توانایی‌های کشورهای: اسرائیل از نظر اقتصادی و برای رهایی از انزوای اقتصادی خود نیازمند کشورهایی همچون قطر، امارات و عربستان است. از نظر منابع نفتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] ظرفیت

بالایی را دارا می‌باشند که جلب این منافع و توانایی‌های اقتصادی مدنظر اسرائیل می‌باشد. متقابلاً کشورهای عضو شورا نیز توجه ویژه به برخی از توانایی‌های اسرائیل دارند برای مثال، در زمینه تولیدات فناوری اطلاعات و فناوری آبیاری، تسلیحات و تجهیزات نظامی، حمل و نقل، گردشگری و صنعت اسرائیل در منطقه خاورمیانه دارای توانایی بالایی است. لذا هر دو طرف خواهان برقراری روابط نظامی، اقتصادی، تجاری، صنعت و حمل و نقل هوایی هستند.

- دومین محور عبارت است از مسأله ایران و قدرت آن در منطقه: با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تلاش در صدور انقلاب به سایر کشورهای اسلامی در جهان، ایران و اسرائیل به دشمنان استراتژیک یکدیگر تبدیل شدند. حمایت ایران از فلسطین سبب نزدیکی ایران به جنبشهای اسلامی در فلسطین و نیز تهدید مواضع اسرائیل در منطقه شد. منافع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] در فلسطین کاهش یافت، با خدشه دار شدن روابط بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] و فلسطین، روابط اسرائیل در منطقه با شورای همکاری خلیج [فارس] گسترش و بهبود یافته است و اسرائیل در پی پررنگ‌تر کردن محور ضد ایرانی در منطقه است. پس از دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای نیز مخالفتها و تضادها با ایران دو برابر شد و کشورهای منطقه برای مقابله با این امر و جلوگیری از تضعیف قدرت خود در منطقه به سمت همکاری با هم پیش رفتند. با تلاشهای اسرائیل در جهت گسترش ایران هراسی در منطقه خاورمیانه، نقش ترکیه در رهبری جهان اسلام پررنگ‌تر شده است.

- محور سوم عبارت از تضعیف اسلام‌گرایان میانه رو در منطقه: فعالیت اسلام‌گرایان میانه رو در منطقه باعث فشار بر اسرائیل و تهدید منافع آن در منطقه خواهد شد زیرا از سویی مسأله فلسطین مطرح است و نیز احتمال گرایش برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] به این طیف وجود دارد که نتیجه این امر برای اسرائیل و سایر کشورهای عرب خوشایند نیست (خالقی نژاد، ۱۳۹۷). مقامات حزب عدالت و توسعه به جای اسلام بر اصول دموکراسی، اصل عدم تبعیض، میثاق اروپایی و دیگر قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر به عنوان تنها مرجع در دفاع از هویت اسلامی خود تأکید دارند (علی حسینی و عربیان، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۵).

۴. اهداف امنیتی ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷

اتحاد ترکیه و اسرائیل شکلی از تضمین و بازدارندگی را برای امنیت ترکیه به وجود آورده است. در سال ۱۹۹۳ حکمت چیتین و سپس وزیر امور خارجه ترکیه بیان کردند که «اتحاد ترکیه-اسرائیل به عنوان یک قرارداد علیه یک دشمن مشترک نیست بلکه به عنوان یک توافق در جهت بازدارندگی سوریه و قبرس از تلاش برای استقرار موشک اس-سیصد روسی در قبرس می‌باشد» (Bilgin, 2004: 51).

نگرانی‌های ترکیه نسبت به تهدیدات سوریه، ایران و عراق که به وحدت ملی و تمامیت ارضی ترکیه مربوط می‌شد، عوامل مؤثر بر روابط ترکیه با اسرائیل است. پایان جنگ سرد، جنگ خلیج فارس و تأثیر آن در مسأله کردهای ترکیه و روند صلح اسرائیل و اعراب زمین‌های را برای ترکیه آماده کرد تا به طور آشکار سیاست خارجی طرفدار اسرائیل را دنبال کند. این اتحاد در خدمت برخی از منافع امنیتی ترکیه همانند کمک به سرکوب پ.ک.ک بود. مجموع این عوامل سبب افزایش قدرت ترکیه و قابلیت‌های واقعی آن کشور در مقابل پ.ک.ک گردید. به عنوان مثال، یکی از دلایل افزایش خرید تسلیحات اسرائیلی از سوی ترکیه، خرید موشک های اس-سیصد توسط یونان از روسیه در سال ۱۹۹۶ بوده است. در واکنش به این اقدام یونان، ارتش ترکیه در جهت ایجاد تعادل نظامی در منطقه در مواجهه با توانایی نظامی یونان دستور داد ۷۰ موشک پایه از اسرائیل خریداری گردد (Müftüler-Bac, 2015: 9-10).

۴-۱. اتحاد ترکیه و اسرائیل و تلاش در جهت تأمین امنیت متقابل

باید دانست که رویکرد دوگانه اسرائیل و ترکیه نسبت به هم در حوزه امنیتی-نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا در وهله اول، چنین اقدامی سبب می‌شود که اسرائیل از یک عمق استراتژیک بهره مند شود و نسبت به سایر همسایگان خود از امنیت برخوردار گردد. هم پیمانی اسرائیل و ترکیه می‌تواند اثرات نامطلوبی برای امنیت منطقه‌ای داشته باشد (موسوی، ۱۳۸۰: ۲۶). چنگیز چنداره^۵، مفسر سیاست خارجی، استدلال می‌نماید که انزوای ترکیه از همسایگان دیگر در بلندمدت به منافع آن لطمه می‌زند. به گفته وی «ترکیه باید زمینه‌هایی برای همکاری با دیگر

^۵ روزنامه‌نگار ترک (نگارنده).

کشورها چه عرب و چه غیر عربی پیدا کند اما این بدان معنا نیست که ترکیه روابط خود با اسرائیل را متوقف و یا ترک نماید» (Bilgin, 2004: 52).

۲-۴. اتحاد ترکیه و اسرائیل و مبارزه علیه پ.ک.ک

از دیدگاه سیاستمداران در ترکیه، اتحاد ترکیه و اسرائیل مستقیماً علیه تروریسم است، همان طور که سلیمان دیمیرل- رئیس جمهور سابق ترکیه- در سخنرانی خود در کنست در ماه مارس ۱۹۹۶ بیان کرد که «ترکیه و اسرائیل باید کنار یکدیگر در مبارزه با تروریسم باقی بمانند» (Müftüler-Bac, 2015: 8).

از دیگر پیامدهای امنیتی اتحاد ترکیه-اسرائیل بر منطقه خاورمیانه، می توان به افزایش توانایی های نظامی ترکیه برای مقابله با پ.ک.ک اشاره کرد. مداخلات ترکیه در شمال عراق برای از بین بردن پ.ک.ک و وجود تحریم ها از سوی اسرائیل سبب شد که برخی از مقامات پ.ک.ک ادعا کنند نابودی پ.ک.ک هدف اصلی اتحاد ترکیه-اسرائیل بوده است و در این رابطه ارتش اسرائیل با ارتش ترکیه در حمله به شمال عراق همکاری کرده اند (Müftüler-Bac, 2015: 8-9).

اسرائیل در منطقه اسلامی- عربی خاورمیانه در انزوای استراتژیک قرار دارد. رابطه با ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه ای، دریچه امید برای اسرائیل محسوب می گردد. اسرائیل برای گشایش رابطه با سایر کشورهای عربی در منطقه به ادامه رابطه با ترکیه نیاز دارد. ترکیه نیز در حل مشکل خود با جدایی طلبان کرد نیازمند همکاری با اسرائیل است. حمایت نظامی و تسلیحاتی اسرائیل از گروه جدایی طلب و نظامی پ.ک.ک به عنوان ابزاری برای فشارهای سیاسی بیشتر بر ترکیه جهت قراردادن ترکیه در مسیر صلح با کردها می تواند به روند صلح در ترکیه و حل بزرگترین مشکل امنیتی ترکیه در ۳۰ سال گذشته کمک نماید (کریمی، ۱۳۹۲).

۵. پیامدهای امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر منطقه خاورمیانه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷

از موافقت نامه های همکاری امنیتی-نظامی بین ترکیه و اسرائیل می توان این نتیجه را دریافت کرد که ترکیه و اسرائیل به عنوان شرکای امنیتی در منطقه خاورمیانه ظاهر شده اند. در دوران جنگ سرد، ترکیه به شرکای قابل اعتماد در خاورمیانه نیاز داشت تا بتواند خود را تقویت کند و با

کسانی که علیه ترکیه اقدام به تحریکات و برنامه ریزی می‌کنند، مقابله نماید (Müftüleri-Bac, 2015: 10).

از سویی دیگر، کشورهای منطقه خاورمیانه تقویت پیوندهای سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل را علیه امنیت خود تفسیر کردند. کشورهای عربی معتقد بودند که روابط سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل سبب پدید آمدن تهدیدات امنیتی در منطقه گردیده است. این تهدیدات عبارتند از:

(۱) تهدید استراتژیک را برای کل دولتهای عربی و از این میان به ویژه دو کشور عراق و سوریه افزایش داد.

(۲) در معادلات منطقه‌ای و در عرصه بین‌المللی، جهان عرب را به حاشیه راند.

(۳) نزدیکی کشورهای نظیر اردن به این اتحاد سبب بروز شکاف در جهان عرب شد. در نتیجه فرآیند صلح اعراب و اسرائیل را به مخاطره افکنده یا حداقل قدرت چانه زنی اعراب را کاهش خواهد داد. تأثیرات ویژه اتحاد ترکیه و اسرائیل بر مقاومت فلسطینی‌ها نیز بسیار حائز اهمیت است. تقویت پیوندهای استراتژیک طرفین موجب شد که نه تنها در انتفاضة دوم روابط ترکیه و اسرائیل دچار نوسان نشود؛ بلکه در همان زمان دو کشور پیمان نظامی نیز با یکدیگر منعقد کنند. در این زمینه، معاون وزیر دفاع ترکیه اظهار داشت: بیش از ۴۰ سال است که این منازعه ادامه دارد و برای ترکیه امکان پذیر نیست که سرنوشت نیروهای نظامی و منافع ملی خود را با متغیرهای نامعلوم پیوند بزند (Bingio, 2004: 239).

(۴) روابط صلح آمیز اسرائیل و اردن پس از عادی سازی روابط ترکیه و اسرائیل (سنایی و حیدری، ۱۳۸۷: ۳۱).

امضای پیمان صلح بین اردن و اسرائیل در سال ۱۹۴۹، روابط اسرائیل و اردن را در سایه صلح قرار داد. نتیجه این پیمان تغییر موازنه قدرت به نفع اسرائیل بود. هدف اسرائیل در تعامل با کشورهای عربی، نه تنها پایان دادن به جنگ و برقراری روابط صلح آمیز، بلکه عادی سازی کامل روابط برای اثرگذاری بر فرهنگ و تمدن جهان عرب نیز بوده است (الحباشنه، ۱۹۹۹: ۴۴۵).

مقامات ترکیه و اسرائیل تأکید می‌کنند که اتحادشان علیه دولت خاصی نیست. به گفته دیوید ایوری^۶، مشاور وزیر دفاع اسرائیل، «در پیمان امنیتی امضا شده هیچ کشوری هدف نیست، بلکه هدف آن ایجاد اعتماد به نفس در خاورمیانه و کمک به صلح و ثبات در منطقه است» و سلیمان دمیریل نیز همان استدلال را در سفر خود به مصر در سپتامبر ۱۹۹۷ و درکویت در اکتبر ۱۹۹۷ با هدف تسکین دادن به واکنش جهان عرب به اتحاد ترکیه و اسرائیل بیان کرد (Müftüleri-Bac, 2015: 8).

۶. پیامدهای امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر شکل‌گیری همکاری نظامی ایران-روسیه

روابط ترکیه و اسرائیل به عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه از اهمیت بسزایی به ویژه از دید ایران برخوردار بوده است. اتحاد تل آویو و آنکارا در سال ۱۹۹۶ موجب تهدیدات جدی علیه ایران شد (حاجی یوسفی و ایمانی، ۱۳۸۹: ۷۶). اقدامات سیاسی-امنیتی ایران در منطقه خاورمیانه همواره سبب نگرانی اسرائیل بوده است، ایران بعد از انقلاب اسلامی بر نابودی اسرائیل تأکید نموده است. قرار گرفتن ایران در کنار قدرت فرا منطقه‌ای مانند روسیه سبب تشدید نگرانی اسرائیل و تهدید مواضع اتحاد ترکیه و اسرائیل گردید. انگیزه‌های روسیه از اتحاد با ایران، تلاش برای به دست آوردن جای پای خود در خاورمیانه از طریق ایران بود. در پاسخ به همکاری ایران و روسیه، دولت اسرائیل قرارداد گاز طبیعی با روسیه را متوقف کرد (Müftüleri-Bac, 2015: 9).

۷. پیامدهای امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر خروج اسرائیل از انزوای سیاسی

با توجه به این امر که ترکیه از حامیان گروه‌های فلسطینی به خصوص گرایش‌های غیر اخوانی است، اسرائیل می‌تواند تعدیلی را در حوزه روابط خود با دولت‌های خودگردان و گروه‌های فلسطینی برقرار کند. از سوی دیگر برقراری رابطه با ترکیه برای اسرائیل مهمتر شده است زیرا ترکیه نقش مهمی در تحولات سوریه ایفا می‌کند (حق پناه، ۱۳۹۴). اتحاد ترکیه و اسرائیل زمینه ساز خروج اسرائیل از انزوای سیاسی در منطقه خاورمیانه شد. اسرائیل نتوانست روابط آشکار و شفاف با اعراب در منطقه خاورمیانه برقرار کند، بنابراین در جستجوی اتحاد با قومیت‌ها و اقلیت‌ها در کشورهای

^۶ David Ivri adviser to the Israeli Defense Minister

منطقه می‌باشد. اتحاد طبیعی اسرائیل و کردهای عراق، در تداوم استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه برای خروج از انزوا و گسترش حضور در منطقه است. این مسأله در پرتو تحولات نوین در کردستان عراق و گسترش فعالیت سیاسی، اقتصادی - اجتماعی کردها در این کشور، زمینه مناسبی را برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان عراق به وجود آورده است. اسرائیل همکاری‌های پنهان و گسترده‌ای را با کردها آغاز کرد و با حضور مستقیم در منطقه و نفوذ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کردستان، به دنبال ایجاد متحد استراتژیک جدیدی در خاورمیانه بر مبنای دکترین «اتحاد پیرامونی»^۷ است. این مسأله سبب افزایش حساسیت دولت‌های منطقه به ویژه ایران، عراق و سوریه شده است. بنابراین اسرائیل با کمک به استقلال کردها تلاش می‌کند تا به ظهور کردستان مستقل به عنوان متحد جدید خود در خاورمیانه دست یابد. این امر با توجه به انزوای کردستان و اسرائیل در میان همسایگان و منافع دوجانبه اتحاد آنان در مقابله با دشمن مشترکشان اجتناب ناپذیر است. اسرائیل، کردستان را به عنوان نقطه اتکایی علیه اعراب و دولت‌های اسلامی و متحد استراتژیک خود در منطقه می‌داند (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۱۲-۲۰۱).

۸. پیامدهای امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر زیر سیستم خلیج فارس

خلیج فارس که ۸ کشور غیر هم وزن با توان متقارن را در بر می‌گیرد، اکنون جهانی‌ترین زیر سیستم منطقه از میان مجموعه‌های امنیتی جهان است (موسوی، ۱۳۸۶: ۸۳۲). روابط دیپلماتیک ترکیه با اسرائیل - حتی در اوج تنش‌های اعراب و اسرائیل - باعث شد که این کشور در میان کشورهای مسلمان غیرمعمول باشد و به سوء ظن اعراب نسبت به نقش ترکیه منتهی گردید (Carley, 1995: Vii). اتحاد ترکیه و اسرائیل توسط تمام کشورهای عربی - بویژه کشورهای

^۷ با توجه به اینکه اسرائیل از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته بود و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کردند، لذا توجه سیاستمداران اسرائیل به ایجاد ارتباط با سایر بازیگران منطقه‌ای - که شامل کشورهای مسلمان غیر عربی (ترکیه-ایران)، کشورهای مسیحی دارای هویت مسیحی (اتیوپی-لبنان) و نیز اقلیت‌های قومی غیر عربی یا غیر مسلمان (کردها و آرامنه) می‌شد - معطوف گردید. این استراتژی که با عنوان اتحاد پیرامونی یا حاشیه‌ای معروف شد، اولین بار توسط «ریوون شیلوا» نخستین رئیس موساد طراحی و به بن‌گورین ارائه شد (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

عربی زیر سیستم خلیج فارس - محکوم شد زیرا اعراب این اتحاد را به عنوان یک تهدید مستقیم برای امنیت ملی خود در نظر می‌گرفتند. نارضایتی اعراب در قطعنامه ۲۳ ژوئن ۱۹۹۶ در اجلاس سران کشورهای عربی منعکس شده است که در این قطعنامه، ترکیه را به تجدید نظر در قراردادهای نظامی با اسرائیل دعوت کردند (8: Müftüleri-Bac, 2015).

مهمترین پیامد مستقیم روابط سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه گسترش مسابقه تسلیحاتی در میان کشورهای منطقه می‌باشد. تصور اعراب از تهدید سبب شده است تا منطقه خلیج فارس به زرادخانه سلاح‌های گوناگون تولیدی کارخانجات جنگ افزارهای شرق و غرب تبدیل شود. زمانی که ترکیه و اسرائیل به ابزار و سلاح‌های نظامی دست پیدا می‌کنند سایر کشورهای منطقه خلیج فارس نیز سعی می‌کنند به سلاح‌های مشابه یا ابزارهای مقابله با آن مسلح شوند؛ برای مثال عربستان سعودی مشخصاً تحت عنوان مقابله با خطر اسرائیل اقدام به خرید موشک‌های میان برد سی اس اس-۸۲ از چین کرد. اما این موشکها علاوه بر توانایی هدف قرار دادن خاک اسرائیل قابلیت پوشش بخش قابل توجهی از قلمرو ایران، عراق، سوریه و مصر را نیز به عربستان می‌بخشید. از این رو طبیعی بود که کشورهای مزبور نیز سعی در مسلح شدن به سلاح مشابه یا ابزار مقابله با آن کنند (شمس، ۱۳۷۷).

اعضای شورای همکاری خلیج [فارس] روابط ترکیه و اسرائیل را نادیده نمی‌گیرند و علاوه بر این، از دیدگاه اعراب فعالیت‌های ترکیه در خاورمیانه را به عنوان «عثمان گرایی»^۹ ارزیابی کردند. واکنش اعضای شورای همکاری خلیج [فارس] به اتحاد ترکیه و اسرائیل همراه با بیگانگی، انکار مشروعیت اسرائیل در کشور فلسطین و ایجاد ائتلاف‌هایی علیه این اتحاد بوده است (Bilgin, 2004: 56-57). واکنش‌های شورای همکاری خلیج [فارس] به اتحاد ترکیه و اسرائیل سبب شد که مسائل امنیتی را در اولویت سیاستگذاری خود قرار دهند (Aras: 2000, 155).

مخالفت‌های اعراب در مواجهه با رابطه سیاسی-امنیتی ترکیه و اسرائیل تأثیری نداشت؛ به عنوان مثال می‌توان به واکنش شورای همکاری خلیج [فارس] به فروش آب از سوی ترکیه به اسرائیل اشاره نمود. در ماه مارس سال ۱۹۹۶ شورای وزیران امور خارجه اتحادیه عرب، در رابطه با فروش

⁸ C s s-2

^۹ عوامل عثمان گرایی در حزب عدالت و توسعه مبتنی بر اصول: الف) ترکیه نه یک پل بلکه یک محور (ب) مرزهای هویتی بین المللی (ج) هویت ارزش‌های شرقی-ارزش‌های غربی (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

آب به اسرائیل از رودخانه مانوگات، با این واقعیت که این پروژه هیچ ارتباطی با اختلافات آب بین ترکیه-عراق و سوریه ندارد، در معرض انتقادات کشورهای عربی قرار گرفت- (Bilgin, 2004: 57-58).

همکاری‌ها با شورای خلیج [فارس] پیامدهای عمیق امنیتی برای اسرائیل و ایجاد و یا تغییر موازنه قدرت ژئوپلیتیکی در خاورمیانه را دارا است. مهمترین مقصود اسرائیل دستیابی به منابع نفتی، گازی و معدنی منطقه و ضدیت با ایران است که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] از این نظر گزینه مطلوبی برای اسرائیل و متحدش - ایالات متحده - هستند (خالقی نژاد، ۱۳۹۷).

۹. پیامدهای امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر ایران

اتحاد ترکیه و اسرائیل در قالب پیمان‌های نظامی و امنیتی سبب شکل‌گیری تهدیدهای امنیتی علیه ایران شد. اتحادهای نظامی به اسرائیل قدرت بیشتری در منطقه داد و در نتیجه اسرائیل را قادر ساخت تا علیه دشمنان خود با مواضع قاطع‌تری در منطقه خاورمیانه برخورد نماید. در کنار اعراب و فلسطینی‌ها، ایران نیز به عنوان دشمن اسرائیل از اتحاد ترکیه و اسرائیل احساس نگرانی می‌کند (Müftüleri-Bac, 2015: 9). ایران رقیب ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است و از سویی این کشور متهم است که به اعضای پ.ک.ک کمک می‌کند. ایران به علت روابط نزدیک ترکیه با ایالات متحده و عضویت این کشور در ناتو همواره با دیده شک و تردید به ترکیه می‌نگرد و اتحاد ترکیه و اسرائیل نیز این تردیدها را بیشتر کرده است. ایران معتقد است که نزدیک شدن ترکیه و اسرائیل به یکدیگر موجب جدایی ترکیه از منطقه خاورمیانه خواهد شد. همچنین بر سطوح روابط سیاسی - اقتصادی طرفین تأثیر منفی خواهد گذاشت (Bingio, 2004: 239).

۱۰. پیامدهای امنیتی روابط ترکیه و اسرائیل بر زیر سیستم شامات

موقعیت ژئوپلیتیک سوریه این کشور را در نقطه اتصال منطقه نفت خیز خاورمیانه قرار داده است. سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که با سه عامل: واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با

کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. سوریه از طریق خط لوله نفت در بندر بانیا، بخشی از نیازهای نفتی کشورهای حاشیه را تأمین می‌کند و از این راه در معادلات منطقه نقش دارد. نقش آفرینی سوریه در تحولات لبنان و قرار گرفتن دمشق به عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی، بر اهمیت استراتژیک سوریه افزوده است (التیامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۶۸). شکل‌گیری محور استراتژیک ترکیه و اسرائیل و همکاری‌های همه‌جانبه این دو کشور تأثیر جدی بر روابط بین‌المللی دارد و موازنه قدرت را در منطقه شامات نیز برهم زده است. با توجه به ادعاهای مقامات ترکیه و اسرائیل مبنی بر اینکه همگرایی آن‌ها علیه کشور ثالثی نیست، تسری ناگهانی مناسبات دو کشور از حوزه سیاسی و اقتصادی به حوزه همکاری‌های نظامی و امنیتی، آن‌هم در دورانی که انتظار چرخش مناسبات منطقه‌ای در خاورمیانه از محور نظامی-امنیتی به سمت محور سیاسی-اقتصادی می‌رفت، باعث نگرانی کشورهای منطقه گردید (رضازاده، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

به لحاظ نظامی، سوریه همچنان تهدیدی برای اسرائیل محسوب می‌شود. توان نظامی سوریه به ویژه در زمینه موشک‌های زمین به زمین و یگان‌های زرهی و توپخانه به قدری افزایش یافته است که گذشته از وارد آوردن ضربات سنگین به اسرائیل، می‌تواند موجودیت دولت اسرائیل را نیز در معرض تهدید قرار دهد. با تقویت روابط نظامی سوریه با ایران، تهدید سوریه علیه اسرائیل افزایش یافته است (سنیه، ۱۳۸۱: ۳۰-۲۹). بحران سوریه برای ترکیه و اسرائیل نگرانی در زمینه امنیتی را ایجاد می‌کند و سبب می‌شود تا ترکیه و اسرائیل بیش از گذشته به فکر افزایش پیوندهای امنیتی باشند (کریمی، ۱۳۹۲).

اتحاد ترکیه و اسرائیل یک حرکت هوشمندانه علیه سوریه است. این اتحاد، نیروی هوایی اسرائیل را قادر می‌سازد تا به سوریه نفوذ و ایران را تهدید کند و این یک راه عالی برای ترکیه جهت تحت فشار قراردادن سوریه می‌باشد. ترکیه از تقاضای سوریه درباره آب فرات و حمایت اتحادیه عرب از سوریه بسیار نگران است. با توجه به شرایط، این اتحاد در واقع محاصره سوریه و چالشی برای دمشق است. به عقیده مقامات سوریه، محور ترکیه-اسرائیل نابودی دنیای عرب را هدف قرار داده است و هدف این اتحاد، تخلیه شمال عراق از ساکنان آن و ساکن کردن فلسطینی‌ها در آنجا است. به نظر می‌رسد که در پاسخ به محور ترکیه-اسرائیل روابطی بین سوریه و ایران وجود داشته باشد. اگرچه دولت ایران انکار می‌کند که محور ایران-سوریه در واکنش به پیمان‌های نظامی ارتش ترکیه و اسرائیل شکل گرفته است، اما موضع‌گیری‌های سیاسی ایران درباره سوریه نشان

می‌دهد که این محور در واکنش به محور ترکیه و اسرائیل ایجاد شده است (Müftüleri-Bac, 2015: 8-9).

اهداف ترکیه و اسرائیل به عنوان دو کشور منطقه‌ای، حمایت از مخالفان بشار اسد، سرنگونی دولت سوریه و در نهایت قطع محور اتحاد ایران، سوریه و حزب الله است. راهبرد امنیتی اسرائیل با توجه به برخورداری از حمایت آمریکا، حفظ موجودیت و تضمین منافع خود در بلندی‌های جولان و جلوگیری از بسط نفوذ ایران در منطقه است که ترکیه در این زمینه با آن‌ها همراه شده است (حمیدی و قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۲).

محور ترکیه-اسرائیل نشان دهنده قطبش در حال تحول در منطقه شامات است. یک قطب متشکل از اتحادیه ترکیه-اسرائیلی است که توسط قدرت ایالات متحده حمایت می‌شود و قطب دیگر محور ایران-سوریه است که به نظر می‌رسد توسط روس‌ها پشتیبانی می‌شود. چنین قطبش منطقه‌ای همراه با سطح بالایی از نظامی شدن نشانه خوبی نیست. آنچه که از سوی ترکیه به عنوان یک ابتکار برای یافتن یک متحد قابل اعتماد در منطقه خاورمیانه آغاز شده است، ممکن است به یک درگیری گسترده تبدیل شود (Müftüleri-Bac, 2015: 10).

ترکیه برای دسترسی به خاورمیانه و افزایش نفوذ در این منطقه، منافع خود را در بودن دولتی دست نشانده در سوریه می‌بیند نه دولتی هم پیمان ایران در مرزهای این کشور. بر این اساس می‌توان تلاشهای گسترده این کشور برای سازماندهی اپوزیسیون سوریه را مورد توجه قرار داد. اخوان المسلمین سوریه پیوندهایی با ترکیه دارند. همچنین منافع ایالات متحده، ناتو، ترکیه و اسرائیل در منطقه شامات به هم پوشانی رسیده است (التیامی نیا، ۱۳۹۲: ۹۱).

ائتلاف ترکیه و اسرائیل در منطقه خاورمیانه در مقابل ائتلاف ایران، عراق، سوریه و فلسطین قرار می‌گیرد که یک موازنه کلاسیک را ایجاد کرده است. در اصل این تهدید مشترک است که منافع مشترک را خلق می‌کند و منجر به تشکیل ائتلاف و ضد ائتلاف می‌گردد. در این میان سوریه به دلیل هم مرزی با ترکیه و اسرائیل بیشتر در معرض تهدید قرار گرفته است و از سویی دیگر سوریه به دلیل داشتن موقعیت ژئوپلیتیکی یک مهره اساسی در محور مقاومت محسوب می‌شود و در نتیجه به حمایت محور مقاومت نیاز دارد. ضرورت حمایت از سوریه سبب شکل گیری صف آرای نظامی در منطقه خاورمیانه شده است (اکبری، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

نتیجه گیری

منطقه خاورمیانه در حال تغییر و تحول است و خاورمیانه امروزی با خاورمیانه سال ۱۹۴۸ تفاوت زیادی دارد. موازنه قوا تغییر یافته، گروه بندی‌های منطقه‌ای جدید پدید آمده، و اسرائیل امروزه با تهدیدات دیگر و احتمالات تازه‌ای روبرو شده است. برنامه‌ریزی برای جایگاه و موقعیت اسرائیل در خاورمیانه با تکیه بر واقعیات و فرضیه‌های مبتنی بر احتمال شدت یافتن تهدیدات انجام می‌گیرد. محدوده استراتژیک اسرائیل بسیار وسیع‌تر شده است و این محدوده دیگر به دشمنان همجوار سنتی یعنی سوریه، لبنان، اردن و مصر محدود نمی‌شود بلکه هر آنچه در این محدوده می‌گذرد، می‌تواند امنیت ملی و منافع کشور اسرائیل را به مخاطره بیندازد. یکی از مهمترین علل بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه، عدم تعادل میان اسرائیل و همسایگانش است. در این میان رابطه ترکیه به عنوان تنها کشور مسلمان و یکی از قدرتهای منطقه‌ای، زمینه‌های گسترش روابط اسرائیل با اعراب و ایجاد ثبات در منطقه را پدید آورده است. تلاشهای ترکیه و اسرائیل برای جلب حمایت سایر کشورهای منطقه خاورمیانه و نیز تلاشهای اسرائیل برای حل مسأله کردها توانست زمینه‌های برقراری روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و سایر کشورهای منطقه را پدید آورد. در میان اعراب، قطر با داشتن مناسبات بیشتر با ترکیه تلاش نمود تا طرح صلح در منطقه را در میان اعراب هدایت نماید. در این میان هدف مشترک تمامی همسایگان عرب و اسرائیل، تضعیف اقتصاد ایران بود. توانایی روز افزون ترکیه و اسرائیل در زمینه تسلیحات نظامی و دفاعی سبب نگرانی عراق و سوریه گردید. در زیر سیستم خلیج فارس، اعراب این اتحاد را تهدیدی علیه منافع ملی خود، تلاش ایالات متحده جهت برقراری هژمونی در منطقه و طلوع دوباره عثمان‌گرایی دانستند. در زیر سیستم شامات، پیامدهای امنیتی به صورت جدایی اردن از اعراب و پیوستن به اتحاد ترکیه و اسرائیل، بروز شکاف در میان اعراب و ایجاد بلوک بندی میان کشورهای منطقه ظاهر شد.

منابع

الف) منابع فارسی

- امیرآبادیان، نزهت (۱۳۹۰). «اردوغان در دور قهرمانی خاورمیانه دیپلماسی با طعم تند پوپولیسم»، **روزنامه شرق**، شماره ۱۳۶۷، ص ۷، دسترسی در magiran.com/n2376892
- التیامی نیا، رضا (۱۳۹۲). «تبیین نقش قدرتهای منطقه‌ای در منطقه شامات و چشم اندازهای پیش رو»، **دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان، صص ۹۲-۶۳.
- اکبری، نورالدین (۱۳۹۶). **فراز و فرود اسلام گرایان در ترکیه**، تهران: نشر مخاطب، چاپ اول.
- الحیاشنه، خالد عبدالرزاق (۱۹۹۹). **العاقات الاردنيه و الاسرائيله فی ظل معاهده السلام**، مترجم: مهدی قویدل، بیروت، بیسان، للنشر و التوزیع والاعلان، ۱۹۹۹، ص ۴۵۵.
- اجی یوسفی، امیر محمد و همت ایمانی (۱۳۸۹). «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن بر ایران»، تهران: **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۴۰-۷۵.
- حق پناه، جعفر (۱۳۹۴). «علل توجه به بهبود روابط ترکیه و اسرائیل و چالش‌ها و پیامدهای آن»، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**
- حمیدی، سمیه و زینب قاسمی (۱۳۹۴). «راهبرد امنیتی قدرتهای منطقه‌ای ایران، ترکیه و اسرائیل در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۴)»، **دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان، صص ۷۷-۶۱.
- خالقی نژاد، مریم (۱۳۹۷). «روابط متقابل اسرائیل با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و آینده آن»، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**.
- علی حسینی، علی و حسین عربیان (۱۳۹۶). «تحلیل ناکامی قرائت حزب عدالت و توسعه در الگو شدن برای جهان اسلام»، تهران، **نشریه علوم سیاسی**، سال بیستم، شماره ۷۹، پاییز، صص ۱۵۲-۱۳۳.
- رستمی، فرزاد و علیرضا تارا (۱۳۹۷). «تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره هفتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۴۱-۱۱۵.
- سنایی، اردشیر و شقایق حیدری (۱۳۸۷). «روابط ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه ۲۰۰۷-۲۰۰۲»، تهران: **مطالعات روابط بین‌الملل**، زمستان، شماره ۵، صص ۵۸-۳۱.
- طاهری، ابراهیم (۱۳۹۲). «روابط قطر و اسرائیل»، **دیدگاه سیاست و امنیت**، <https://www.farsnews.com/news>
- سنیه، افرایم (۱۳۸۱). **اسرائیل پس از ۲۰۰۰**، مترجم: عبدالکریم جادری، نشر دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد، چاپ اول.
- شمس، مرتضی (۱۳۷۷). «تهدیدهای نظامی-امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، **مطالعات راهبردی**، پیش شماره ۲

کریمی، محمود (۱۳۹۲). «فصل نوین رابطه ترکیه و اسرائیل»، مرکز بین المللی مطالعات صلح،

دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa>

گوهری مقدم، ابودر و رامین مددلو (۱۳۹۵). «ریشه‌های عثمان‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه

(۲۰۰۲-۲۰۱۵)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان، شماره

پیاپی ۴۷.

موسوی، سیدحسین (۱۳۸۰). «مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - ایالات متحده شناسی»، تهران:

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷،

شماره ۱، بهار و تابستان.

موسوی، سیدحسین (۱۳۸۶). «الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع»، فصلنامه

مطالعات راهبردی، سال دهم، زمستان، شماره مسلسل ۳۸.

موسوی زاده، علیرضا و مهدی جاودانی مقدم (۱۳۸۸). «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست

خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی ایران»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۱، بهار و تابستان،

صص ۲۰۱-۲۲۲.

نظرپور، داوود؛ ناوه‌کش، محسن (۱۳۹۱). «تنش در روابط ترکیه-اسرائیل و پیامدهای بین المللی آن»،

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: ایالات متحده-اسرائیل شناسی، سال چهارم، شماره اول، زمستان، صص

۵۳-۷۶.

(ب) منابع انگلیسی

A Critical Constructivist Analysis

Alsaftawi, M. (2017), "*Turkish policy towards Israel and Palestine: Continuity and change in the relations of the Turkish-Palestinian-Israeli triangle under the rule of the Justice and Development Party (AKP) (2002-2016)*", Academic Year 2016-2017, January 2017, Ghent Belgium

Aras, B. (2000). "Turkish-Israeli-Iranian Relations in the Nineties: Impact on the Middle East", *Middle East Policy*, VOL. VII, NO.3, June, available at: <https://www.mepc.org/journal/turkish-israeli-iranian-relations-nineties-impact-middle-east>

Bayram, F. (2010). Ideology and political discourse: a critical discourse analysis of Erdogan's political speech. Annual Review of Education, *Communication & Language Sciences*, 29

Bengio, O. (2004), "The Turkish - Israel Relationship, Changing Ties of Middle East Outsiders", New York, by *Palgrave Macmillan* First Published.

Bengio, O. (2009), "Turkey and Israel In The Aftermath of the Gaze War: Relation at a Crossroad?" *Telaviv Notes*, February, 8, 2009.

Bilgin, V. (2004), "Turkish-Israeli Entente: The impact of Turkish- Israeli Alignment on Turkish-Iranian Relations". <http://www.thesis.bilkent.edu.tr/0002496.pdf>

Carley, P. (1995). "Turkey's Role in the Middle East" United States Institute of Peace". *Peaceworks No. 1* Sunday, January 1, 1995, available at <https://www.usip.org>

Kosebalaban, H. (2010). "The Crisis in Turkish-Israeli Relations: What is its Strategic Significance?" *Middle East Policy*, 17 (3), 36-50.

Miranto, E. (2017). "Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy in the Middle East", *Jurnal Politik Profetik*, Volume 5, No. 2 Tahun 2017.

Müftüler-Bac, M. (2015) ,"TURKEY AND ISRAEL: AN EVOLVING PARTNERSHIP" of *Regional Affairs*, (44), 1-3.

Şenol, A. (2010). "Understanding the new activism of Turkey in the Middle East: Turkey as an emerging soft power". *Middle East Technical University - Master Thesis*.